



Qur'an and Textology; Approaches to the Inimitability of the Qur'an*

Ma'ida Beygum Shirazi¹
Sayyed Hossein Sayyedi² 

Abstract

There is no doubt that all textual research in Islamic culture has been created in the light of the text of the Qur'an. The efforts of rhetoricians, writers, critics, and poets to understand and comprehend the Qur'an, and the research on the inimitability of the Qur'an by rhetoricians and theologians, have all been shaped in the field of the text of the Qur'an. The Holy Qur'an, as a text, and in particular as a literary text, has had a high capacity in the formation of text-based research in the Islamic world, and this has always been problematic for researchers. In this sense, each researcher, especially textologists and those who have been and are interested in the field of text analysis, has shown special interest in the Qur'an as a text. The premise of this approach to the text of the Qur'an is based on the principle that the Qur'an has the characteristics of a text, so it is a requisite to clarify this issue, namely the textuality of the Qur'an. The approach of the present article to the inimitability of the Qur'an is textological. In this sense, the text of the Qur'an is a special text with its own mechanisms and understanding its uniqueness in the Arab linguistic tradition is possible only through a textological study.

Keywords: the Qur'an, text, inimitability, textuality.

* Received : 2024 Jan 27, Accepted : 2024 Apr 08

DOI: 10.22081/jqr.2024.68441.3946

1. Ph.D. Student in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Ferdowsi University. maedeh.shirazi61@gmail.com

2. Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad. seyedi@um.ac.ir



قرآن و متن‌شناسی؛ رویکردهای اعجاز متن *

مانده‌بیگم شیرازی^۱

سیدحسین سیدی^۲ 

چکیده:

تردیدی نیست که تمام پژوهش‌های متن‌شناختی در فرهنگ اسلامی در پرتو متن قرآن به وجود آمده است. تلاش بلاغت‌دانان، ادیبان، ناقدان و شعرشناسان در راستای فهم و درک از قرآن و پژوهش‌های اعجاز توسط بلاغت‌دانان و متکلمان نیز جملگی در حوزه متن قرآن شکل گرفته است. قرآن کریم، به‌مثابه یک متن و به‌طور خاص متن ادبی، ظرفیت بالایی در شکل‌گیری پژوهش‌های متن‌محور در جهان اسلام داشته است. این امر همواره برای پژوهشگران مسئله‌آفرین بوده است؛ بدین معنا که هریک از پژوهشگران به ویژه متن‌شناسان و کسانی که به حوزه تحلیل متن علاقه‌مند بوده و هستند، به قرآن به‌عنوان متن توجهی ویژه نشان داده‌اند. پیش‌فرض این رویکرد به متن قرآن بر این اصل استوار است که قرآن ویژگی‌های یک متن را دارد، بنابراین باید تکلیف این موضوع، یعنی متن بودن قرآن روشن شود. رهیافت مقاله به اعجاز، رویکرد متن‌شناسانه است؛ بدین معنا که متن قرآن یک متن ویژه با سازوکارهای خاص خود است که درک بی‌بدیل بودن آن در سنت زبان‌شناختی عرب تنها از راه مطالعه متن‌شناختی ممکن است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، متن، اعجاز، متن‌بودگی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷، تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2024.68441.3946

۱. دانشجوی دکترا زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد

maedeh.shirazi61@gmail.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) seyedi@um.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسأله

اگر ادعا کنیم متن قرآن، نخستین و مهم‌ترین عامل شکل‌گیری نظریهٔ متن در میان مسلمانان بوده است، ادعایی به‌گزارف مطرح نکرده‌ایم، چون مسئلهٔ محوری مسلمانان همواره فهم متن مقدس یعنی قرآن بوده است. در واقع، قرآن بیش از هر چیز، از نظر مسلمانان یک متن است و دارای نشانه‌های زبانی است، بنابراین، تحلیل مؤلفه‌های این متن به‌تدریج دیدگاه‌هایی را دربارهٔ متن و چیستی آن شکل داده است

در این پژوهش گونهٔ نوشتاری متن مدنظر است. به‌بیان دیگر، مراد از متن همان text است که ناظر به بررسی چیستی متن، معنای متن و فهم متن می‌باشد. متن از این منظر، پیوستگی ذاتی با زبان دارد؛ ازاین‌رو در زبان‌شناسی به مسئلهٔ متن و چیستی آن اهمیتی ویژه می‌دهند. اصطلاح زبان‌شناسی متن^۱ از حوزهٔ بررسی‌های زبان‌شناختی توصیفی، آوایی، ترکیبی و حتی جمله نیز فراتر می‌رود و به متن به‌مثابهٔ کلیتی فراتر از جمله می‌نگرد. ظهور دانش زبان‌شناسی متن موجب شد میان دو گونهٔ بررسی، یعنی نحو جمله و نحو متن، تمایز ایجاد شود. براین اساس، در زبان‌شناسی جدید از حدود و مرزهای جمله فراتر می‌روند و به ساخت بزرگ‌تری از آن یعنی متن توجه می‌کنند. بنابراین انتقال از مرحلهٔ زبان‌شناسی جمله به زبان‌شناسی متن، یعنی انتقال در روش، ابزار، کاربست و اهداف. به‌بیان دیگر در زبان‌شناسی متن، هدف، تبیین این مسئله است که چه ابزاری، جمله‌ها را به‌هم پیوند می‌دهد و از آن یک واحد معنایی به‌هم‌پیوسته و منسجم می‌سازد؟ پس این مرحلهٔ انتقال - یعنی انتقال نحو جمله به نحو متن - تنها انتقال و تغییر ناچیز در سطح اسم یا موضوع آن نیست، بلکه انتقال و تغییر در نگرش به متن است. در زبان‌شناسی متن، به توصیف و چیستی متن، تحلیل متن، مسئلهٔ دریافت در متن و مسئلهٔ قصد در متن پرداخته می‌شود. با توجه به مطلب پیش‌گفته، یعنی رویکرد این پژوهش به متن نوشتار، بررسی متن با تکیه بر دانش زبان‌شناسی متن خواهد بود. مسئلهٔ متن با این نگاه در حوزهٔ دانش زبان‌شناسی متن جای می‌گیرد که از دههٔ پنجاه میلادی تلاش‌هایی در این راستا انجام شده است تا مطالعات زبانی متن از مرز زبان‌شناسی توصیفی، رفتاری، آوایی، ترکیبی و جمله فراتر رود. در سال ۱۹۵۲ مسئلهٔ تحلیل گفتمان^۲ به‌عنوان روشی برای تحلیل متن مطرح می‌شود و با به‌کارگیری





زبان‌شناسی توصیفی^۱ - که هدفش کشف ساختار متن^۲ بوده است - زبان‌شناسی مدرن از مرز جمله به ساخت بزرگ‌تری، یعنی متن، روی می‌آورد. این مقاله در پی اثبات این مسئله است که قرآن یک متن است و این دیدگاه در برابر دیدگاه خاورشناسان و قرآن‌پژوهان غربی قرار می‌گیرد که مدعی هستند قرآن به مثابه یک متن، ویژگی‌های متن‌بودگی را ندارد. یافته نهایی پژوهش، اثبات این ویژگی‌ها برای متن قرآن و انسجام متنی قرآن است.

پرسش‌ها:

۱. آیا می‌توان معیارهای متن‌بودگی را در قرآن یافت؟
۲. بنابر نظر متن‌شناسان آیا متن قرآن به عنوان یک رخداد کلامی-ارتباطی با ویژگی‌هایی مثل انسجام، پیوستگی، تناسب، قصد، پذیرش و مقبولیت، بافت و بینامتنیت در ارتباط است؟
۳. چه ارتباطی میان متن‌بودگی قرآن و اعجاز آن می‌توان یافت؟

فرضیه‌ها:

۱. قرآن کریم به مثابه یک متن دارای ویژگی‌های متن‌بودگی است و یک متن منسجم است.
۲. در قرآن کریم می‌توان نشانه‌های متن‌بودگی مثل انسجام، پیوستگی، تناسب، قصد، پذیرش و مقبولیت، بافت و امثال آن را یافت.
۳. امروزه یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در مغرب‌زمین زیر سؤال بردن اعجاز قرآن از حیث انسجام متنی است و از این رو این مقاله در پی اثبات منسجم بودن متن قرآن است.

پیشینه پژوهش:

در میان قرآن‌پژوهان مسلمان و غیرمسلمان بنا به اهمیت متن قرآن، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از میان آنها می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱. کتاب مفهوم النص از نصر حامد ابوزید که نویسنده در آن به تأثیر بافت موقعیت در شکل‌گیری متن قرآن می‌پردازد و کم‌تر به بافت زبانی اشاره دارد.
۲. کتاب اشکالیات القراءة و آلیات التأویل از نصر حامد ابوزید؛ اندیشه محوری این کتاب همان‌طور که نویسنده در مقدمه آن آورده است، چالش‌های خوانش متن در فرهنگ اسلامی است. وی به چهار مسئله زبان، نقد، بلاغت و دانش در دین می‌پردازد.



۳. کتاب *مناهج التجديد في النحو و البلاغة والتفسير و الأدب* از أمين الخولى که نویسنده، رویکرد انتقادی به مباحثی در باب تفسیر و بلاغت دارد و گاه به مباحث زبانی در حوزه قرآن هم می‌پردازد.

۴. کتاب *اعجاز القرآن و أثره في تطور النقد الأدبي* از علی محمد زیتون که موضوع آن تأثیر قرآن بر تحول نقد ادبی است، ولی نویسنده می‌کوشد آن را از حیث زبانی و متنی نیز اثبات کند.

۵. کتاب *سیر تاریخی اعجاز قرآن* از سید حسین سیدی، که نویسنده پس از بررسی پژوهش‌های انجام شده درباره رویکردهای اعجاز طی قرن‌ها، مهم‌ترین وجه اعجاز قرآن را در متن‌بودگی آن می‌داند و برخی از نظریه‌های مسلمانان و غیرمسلمانان را بررسی می‌کند.

۶. کتاب *مطالعة قرآن به مثابة اثر ادبی* از مستنصر میر و عبدالرؤف حسین که نویسندگان آن متن قرآن را به منزله اثری ادبی بررسی می‌کنند.

۷. کتاب *النص من القراءة الى التنظير* از محمد مفتاح. این اثر و دیگر آثار مفتاح در حوزه متن چنان‌که خود در مقدمه بیان کرده است، بیشتر در پی پاسخ به این پرسش هاست: توسعه و بسط متن چگونه است؟ دریافت متن چگونه رخ می‌دهد؟ متن چگونه تحقق می‌یابد؟

۸. کتاب *تأويلية نظرية الفهم و التأويل في السنن الرمزية العربية الإسلامية* از ابویعقوب المرزوقی که نویسنده به مطالب گوناگون از جمله تفسیر و روش‌های فهم متن پرداخت.

۱. چارچوب نظری

۱-۲. نحو جمله و نحو متن

زبان‌شناسی متن، یعنی از سطح تحلیل جمله به سطح متن رسیدن و به بیان دیگر، بررسی متن به عنوان یک واحد کامل است. تفاوت نحو جمله با نحو متن آن است که در متن‌شناسی به بررسی جمله بسنده نمی‌شود، بلکه روابط بین جمله‌ها و جلوه‌های انسجام متن هم مورد توجه قرار می‌گیرد.

در زبان‌شناسی جدید، بر متن به عنوان یک واحد بزرگ‌تر از جمله تکیه می‌شود و متن از نظر زبان‌شناسان، کلامی به هم پیوسته با آغاز و انجام و منسجم و دارای ارتباط درونی است



و درعین حال با فرهنگ حاکم بر آن که در آن تولید شده است، پیوند دارد. بنابراین زبان‌شناسی متن که از شاخه‌های زبان‌شناسی است، به متن به عنوان پدیده قابل تحلیل می‌نگرد و از وظایف آن گردآوری ادوات و روابط دخیل در تحلیل متن است. «تحقق این امر با نشان دادن نقش آن روابط در تحقق انسجام متن با توجه به بافت و ارتباط است» (الفقی، ۲۰۰۰: ۵۶).

زبان‌شناسی متن به بررسی روابط درون متن و ادغام سطوح مختلف زبان می‌پردازد. در این دانش، متن به عنوان یک پدیده قابل تحلیل بررسی می‌شود و بر امور زیر تأکید دارد:

۱. توصیف متن: یعنی بیان مؤلفه‌های متن، موضوع متن، روابط زبانی و معنایی موجود در متن و انسجام بین جمله‌ها؛

۲. تحلیل متن: بررسی روابط بیرونی متن و توجه به بافت؛

۳. نقش متن در ارتباط از طریق بیان احوال تولیدکننده و دریافت‌کننده متن؛

۴. تعیین گونه، هدف و غایت متن؛

۵- آگاهی از ساخت متن در سطوح سه‌گانه آوایی، ترکیبی و معنایی (فضل، ۱۹۹۲: ۲۴۷).

متن‌شناسان از تحلیل جمله به سوی واحد بزرگ‌تری، یعنی به تمام متن روی آوردند و آن را مبنای تحلیل آثار نوشتاری قرار دادند. اما مرادشان آن نبود که متن صرفاً از جمله بزرگ‌تر است، بلکه آن را نوعی متفاوت می‌دانستند. «اگر جمله، وحدت نحوی بوده است، متن یک وحدت نحوی بزرگ‌تر^۱ یا صرف مجموع جمله‌ها یا جمله بزرگ‌تر نیست، بلکه وحدتی از نوع متفاوت است. یعنی وحدت معنایی^۲ است؛ واحدی معنادار^۳ در یک بافت^۴» (عبدالمجید، ۱۹۹۸: ۱۶۸). البته این واحد معنایی به شکل جمله‌هایی تحقق می‌یابد و یا در متن ظهور و تجلی دارد.

-
1. large grammatical unite
 2. Semantic
 3. Meaning
 4. Context

۳-۱. مؤلفه‌های متن

هر متن از سه بخش نحو^۱ و معناشناسی^۲ و کاربردشناسی^۳ تشکیل شده است. بنابراین در بررسی متن در زبان‌شناسی هم به تحلیل ساختار نحوی در متن پرداخته می‌شود و هم به جنبه‌های کاربردشناختی متن در موقعیتی که پدید آمده است. برای تحلیل متن مانند هر پدیده دیگر باید به تحلیل مؤلفه‌های آن پرداخت. بررسی مؤلفه‌های متن ما را به مفهوم متن‌بودگی^۴ توجّه می‌دهد. «مراد از متن‌بودگی، یعنی کلیّه ویژگی‌هایی است که متنی را به متن تبدیل می‌کنند» (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

۴-۱. بافت

بافت^۵ از مؤلفه‌های مهم فهم متن است و خود نیز از مؤلفه‌های متن می‌باشد. پیداست که معنا و پیام را واژه در زبان بر دوش می‌کشد و در نتیجه برای تحلیل متن، باید زبان را فهمید و سپس با تحلیل زبانی به مراد و مقصود متن رسید. بنابراین متن یا خود به تنهایی و به واسطه واژگان آن فهمیده می‌شود و یا به قرینه‌های بیرونی درک می‌گردد. فهم متن به واسطه خود متن را «بافت متن» می‌نامیم که منظور از آن، شبکه روابطی است که میان صورت (دستور واژگان) و جهان بیرون وجود دارد و در حقیقت معنای خارجی زبان را تشکیل می‌دهد (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۴۲۵).

بنابراین در فهم متن، شناخت این مؤلفه بسیار مهم است و در مباحث معناشناسی فهم متن، کشف مرکزیت آن و دستیابی به معنا از اهمیت بسیاری برخوردار است.

متن‌شناسان به تدریج دریافته‌اند که دیگر بررسی واژگان و ساختار دستوری برای فهم متن بسنده نیست و توجه به بافت برای فهم متن پررنگ‌تر شده و جایگاهی ویژه یافته است. بافت که همان سبک روابط در متن است، به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱. بافت متن: اینکه یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته است و جمله‌های قبل و بعد از آن عنصر درون متن، چه تأثیری در تبلور نقش و معنای آن دارند و به بیان دیگر در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن چه تأثیری برجای می‌گذارند.

1. Syntax
2. Semantics
3. Pragmatics
4. Textuality
5. Context



۲. بافت موقعیت^۱: یعنی بررسی معنا در بافتی که زبان در آن بافت به کار رفته است (سیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). در این بافت که به آن بافت غیرزبانی هم گفته می‌شود، بررسی متن در چهارچوب موقعیتی که متن در آن تولید شده است، صورت می‌گیرد. بافت‌گرایان بر این باورند که هیچ متنی بدون زمینه پدید نمی‌آید. بنابراین فهم متن، مبتنی بر فهم زمینه‌ها و موقعیت‌هایی است که آن متن با اثرپذیری از آنها نوشته شده است. این دیدگاه نقطه مقابل دیدگاه متن‌گرایان است که تنها به خود متن تکیه می‌کردند و می‌گفتند: «هستی خود متن در تک‌تک کلمات نهفته است؛ یعنی در ترتیب آنها و در معانی‌اش به منزله وجودی از نوع خاص» (پالمر، ۱۳۷۷: ۲۵).

۵-۱. مؤلفه‌های متن‌بودگی

۱. پیوستگی^۲: مراد از پیوستگی آن چیزی است که جنبه‌های روساختی متن را آن گونه که ما آن را می‌شنویم و می‌بینیم، به یکدیگر پیوند می‌دهد (دی‌بوگران، ۱۹۹۸: ۳).

هالیدی در بحث ابزارهای انسجام‌بخش در متن، آنها را به دو بخش عمده تقسیم می‌کند: ۱. ابزار انسجام دستوری، ۲. ابزار انسجام واژگانی. (هالیدی، ۱۳۹۳: ۳۵).

۲. انسجام متن^۳: دومین معیار متن‌بودگی به‌شمار می‌آید. برای دستیابی به انسجام متن دو راه وجود دارد: نخست، ارجاع مکرر به اشیای واحدی درون یک متن؛ دوم، پیوند اجزای متن به کمک روابط انسجام متن، علت و معلول و تضاد؛ یعنی از طریق انسجام رابطه‌ای (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۷۱).

۳. قصد^۴: که به آن قصدی بودن معنا هم گفته می‌شود که هم در حوزه معرفت‌شناسی و هم در حوزه تفسیر متن از آن بحث می‌شود. بسیاری از متن‌شناسان معتقدند که قصد و نیت نویسنده یا گوینده در شکل‌گیری متن اثرگذار است. اما گروهی نیز رابطه میان معنای متن و قصد مؤلف را انکار می‌کنند. مسئله قصد با مسئله مهم و جنجالی «مرگ مؤلف بارت در پیوند است. از نظر بارت، برای فهم متن باید مؤلف را به کناری زد. وی در کتاب مرگ

1. Context of situation

2. Cohesion

3. coherence

4. intention



مؤلف^۱ می‌گوید: در فرهنگ عمومی، تصویری از ادبیات وجود دارد که به‌طور ظالمانه بر محور مؤلف و زندگی و تمایلات وی متمرکز شده است. (بارت، ۱۳۸۴: ۵۶).

۴. مقبولیت^۲: منظور از مقبولیت، نگرش گیرنده متن نسبت به متن است تا متنی پیوسته منسجم را دریافت کند (دی‌بوگراند، ۱۹۹۸: ۹). به بیان دیگر، گیرنده متن در پی مفید بودن یا متناسب بودن است. گیرنده متن که در متن نوشتاری، خواننده و در متن گفتاری، شنونده است، در هر دو شکل، در پی حفظ پیوستگی و انسجام متن است. گیرنده متن باید متن را در ذهن خود چنان سامان‌دهی کند که بتواند آن را بفهمد.

۵. پیام‌رسانی^۳: مراد، انتظار یا عدم انتظار، آشنایی یا ناآگاهی و بی‌اخلاقی در عناصر متن است (همان: ۱۰). اما مسئله در ویژگی متن این است که اگر متن آنچه را که شنونده یا خواننده می‌داند به او اطلاع دهد، آن متن دارای ویژگی پیام‌رسانی است و یا اگر نادانسته‌های خواننده را به وی گوشزد کند، دارای ویژگی پیام‌رسانی است؟ البته اگر متن به عنوان نشانه‌هایی برای خواننده یا گیرنده به کار رود و برای او آشنا باشد، در فهم متن بسیار تاثیرگذار است. اما اگر علاوه بر این، نادانسته‌های گیرنده را هم تکمیل کند، مفید خواهد بود.

۶. موقعیت^۴: از ویژگی‌های معیار در متنیّت است. مراد از موقعیت، زمان، مکان، شرایط فرهنگی و غیره است. تأکید کسانی چون هالیدی بر مطالعات اجتماعی زبان و بررسی آن از منظر اجتماعی نشانه‌شناختی^۵ بر مسئله موقعیت و نقش آن در متنیّت دلالت دارد. هالیدی در این رابطه می‌گوید: «ما به‌طور ویژه‌ای با روابط میان زبان و ساختار جامعه که جنبه‌ای از نظام اجتماعی است، در ارتباط هستیم (هالیدی، ۱۳۹۳: ۳۷).

۷. متن‌بودگی درونی^۶: یعنی اینکه یک متن با متن‌های دیگر نیز در ارتباط است که در بررسی آن دو شیوه پیشنهاد شده است:

۱. به اعتبار انواع متون

1. The Death of the Author
2. acceptability
3. informativity
4. citationality
5. social-semiotic
6. Intertextuality



۲. به اعتبار سایر متون (دی‌بوگراند، ۱۹۹۸: ۱۳).

۱-۶. نظریه دریافت^۱

در بحث خوانش و تأویل متن، مسئله دریافت در متن ادبی یا متون مقدس از مسائل فهم حوزه متن‌شناسی است. ریشه نظریه دریافت را باید در دیدگاه ارسطو جست‌وجو کرد. «او مسئله کارتاسیس^۲ را به مثابه یک تجربه زیبایی‌شناختی مطرح کرده بود» (هولب، ۱۹۹۴: ۶۵). اما در دوران جدید مسئله نظریه دریافت را می‌توان در مکاتبی چون صورت‌گرایان روس، ساخت‌گرایان پراگ، پدیدارشناسی رومان‌انگاردن، هرمنوتیک گادامر و جامعه‌شناسی ادبیات یافت. در نظریه دریافت به نقش خواننده اهمیت داده می‌شود و عبارت^۳ (پاسخ خواننده یا واکنش خواننده) بر این مسئله اشاره دارد. در این نظریه نقش خواننده هم‌سنگ نقش نویسنده ارزیابی می‌شود.

تودوروف هم بر آن بود که سه رویکرد سنتی در خوانش متن ادبی داریم:

۱. فرافکنی^۴

۲. تفسیر^۵

۳. بوطیقا

فرافکنی قرائتی است که از طریق متون ادبی می‌خواهد به مؤلف یا جامعه یا موضوع دیگری برسد که مورد علاقه منتقد باشد. تفسیر، مکمل فرافکنی است. فرافکنی در صدد حرکت از متن و فرا رفتن از آن است، اما تفسیر اصرار دارد درون متن بماند. اما در بوطیقا به جست‌وجوی اصول عامی هستیم که در آثار خاص متجلی می‌شوند (اسکولز، ۱۳۸۳: ۲۰۳).

۱-۷. تأویل^۶

طبیعی است وقتی از خوانش متن بحث می‌شود، بحث از تأویل هم به میان آید. سخن از تأویل پیش از هر چیز به سرشت متون باز می‌گردد. اگر در یک تقسیم‌بندی کلی، متون را به

1. Reception Theory
2. Catharsis
3. Reader response
4. Projection
5. commentary
6. Interpretation



سه دسته متون گزارشی - علمی، متون ادبی و متون مقدس تقسیم کنیم، روشن است که قسم نخست این متون، تأویل‌پذیر نیستند. متون علمی دارای لایه‌های معنایی نیستند و بنابراین تأویل در آن متون راه نمی‌یابد. این در حالی است که آن دو گونه، یعنی متون ادبی و متون مقدس، تأویل‌پذیر هستند، اما وقتی به متون مقدس می‌رسیم، مسئله تأویل بیشتر رخ می‌نماید. چون متون مقدس، چه در سطح واژگان و چه در سطح ترکیب و چه در سطح معنا متونی چند لایه و طبعاً دارای تعدد معنایی هستند. «تأویل در متون دینی از سازوکارهای رسیدن به فهم متن است. این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که «تأویل را روی دیگر متن دانسته‌اند» (ابوزید، ۱۳۸۰: ۳۶۴).

۲. قرآن و متن‌شناسی

تردیدی نیست که تمام پژوهش‌های متن‌شناسی در فرهنگ اسلامی در پرتو متن قرآن به وجود آمده است. تلاش بلاغت‌دانان، ادیبان، ناقدان و شعرشناسان در راستای فهم و درک از قرآن و پژوهش‌های اعجاز توسط بلاغت‌دانان و متکلمان نیز در حوزه متن قرآن شکل گرفته است.

مراد از متن بودن قرآن، نافی این نکته نیست که قرآن از حیث محتوا و مضمون، مدنظر متن‌پژوهان نبوده است، بلکه مُراد زبان ویژه و زبانی متفاوت با زبان متعارف عرب است. متن قرآن از حیث ساخت و صورت، وجه ادبی دارد و به بیان دیگر، ادبیت متن در آن روشن و غالب است. وجه غالب متن قرآن، وجه ادبی، تأویل‌پذیر و ویژگی شعریت متن است. بنابراین در فرهنگ اسلامی، تلاش متن‌پژوهان قرآنی به آشکارسازی ویژگی‌های متنی آن معطوف بوده است. نه تنها متن‌پژوهان مسلمان، بلکه متن‌پژوهان غیرمسلمان نیز به بررسی ادبی این متن توجه داشته‌اند. بررسی حوزه‌های مختلف متن‌پژوهی در فرهنگ اسلامی در گذشته؛ مانند بدیع، بیان، معانی، تجوید، مطالعات معنایی، فقه اللّٰغه‌ای، زبان‌شناختی و بالاخره ادبیت متن، همگی نشان از آن دارد که قرآن به مثابه متن ادبی مورد توجه متن‌پژوهان بوده است. مطالعات جدید قرآن‌پژوهی درباره سطوح آوایی، صرفی، نحوی، واژگانی، کاربردشناسی زبان و تحلیل گفتمان نیز بر این رویکرد دلالت دارد.

۲-۱. رویکردها در متن‌پژوهی قرآن

در میان مجموعه پژوهش‌های صورت گرفته درباره اعجاز قرآن از قرن دوم هجری تاکنون، دو رویکرد عمده مطرح بوده است: ۱. رویکرد متن‌محور؛ ۲. رویکرد معنا محور (سپیدی، ۱۳۹۲: ۱۶).

در رویکرد نخست، قرآن‌پژوهان وجه همت خود را کشف زیبایی‌ها و شگفتی‌ها و جنبه‌های بدیع و اعجازگونه متن قرار دادند. از نظر آنها آنچه وجه امتیاز این کتاب بر دیگر کتاب‌های آسمانی است، جنبه زیبایی‌ها و شگفتی‌ها و انسجام متن و ساختار زبانی قرآن است. اما در رویکرد دوم تلاش می‌شود با تبیین معارف قرآن، از خداشناسی و معارف عقلانی تا کشف جنبه‌های علمی و اخبار عینی مورد توجه قرار گیرد.

از منظر دیگر، با توجه به زبان ادبی قرآن و و درنظر داشتن این نکته که زبان ادبی، زبانی رمزآلود است، رویکرد بررسی متن قرآن، درون‌متنی خواهد بود. در این رویکرد به ویژگی‌های بلاغی، سبک‌شناختی و به‌ویژه کاربردشناختی و گفتمان قرآنی پرداخته می‌شود و هدف از آن، اثبات انسجام و یکپارچگی متن قرآن است. این رویکرد در برابر رویکرد مذهبی قرار می‌گیرد. «تفاوت اصلی میان رویکرد ادبی و مذهبی به قرآن این است که رویکرد ادبی در پی یافتن پیوستگی و رویکرد مذهبی در پی ناپیوستگی متن است» (میر و عبدالرؤف، ۱۳۹۵: ۲۵). اما در فرهنگ اسلامی، قرآن‌پژوهان رویکردهای دیگری را نیز در بررسی متن قرآن به‌کار بسته‌اند. ویژگی عمده این رویکردها آن است که همه درون‌متنی هستند و به جنبه‌های برون‌متنی توجهی ندارند. این رویکرد را می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد (سیدی، ۱۳۹۲: ۴۶-۶۹):

۱-۲. رویکرد ذوقی

مراد آن است که برای درک زیبایی‌های یک متن، باید از قوه تشخیص حسن و قبح و نقد زیبایی‌شناختی برخوردار بود. در این رویکرد، متن‌شناس باید هم از قریحه زیبایی‌شناختی برخوردار باشد و هم معیارها و قواعد سنجش کلام را بشناسد، چنان‌که ابن خلدون می‌گوید: «برخی از جنبه‌های اعجاز را کسانی درمی‌یابند که افزون‌بر همزیستی با زبان عربی و کسب ملکه زبانی، دارای ذوق هم باشند و بنا به ذوق خود اعجاز را درک کنند».

رویکرد باقلانی در بررسی متن قرآن، رویکرد ذوقی است. او عقیده دارد: «طالب اعجاز باید دارای ذوقی در درجه عالی از احساس و حساسیت باشد. چنین کسی هرگاه به قرآن گوش سپارد، درمی‌یابد قرآن، معجزه است» (باقلانی، ۱۹۵۴: ۳). باقلانی معتقد است با ذوق ادبی می‌توان به نظم شگفت و تألیف عجیب و اوج بلاغت قرآن پی برد.

۲-۲. رویکرد زبان‌شناختی

از قرن دوم هجری تمام تلاش‌های قرآن‌پژوهان در چهارچوب حوزه زبان‌شناسی بوده است. آثاری چون مجاز القرآن ابوعبیده معمر بن مثنی، معانی القرآن فراء و تأویل مشکل القرآن

ابن قتیبه و آثار جاحظ و ابن معتز و واسطی و نظام معتزلی، جرجانی و طرح مسئله نظم در این دسته قرار می‌گیرند. در این رویکرد، به سبک زبانی متن توجه می‌شود.

۳-۱-۲. رویکرد هنری

علت توجه به رویکرد هنری را می‌توان در کاستی‌های رویکرد زبان‌شناختی جست‌وجو کرد. عموم مردم از سبک زبان‌شناسان در بررسی مسائل بیان و نظریه ادبیات و بلاغت، به‌ویژه در قرآن، راضی نبوده‌اند و تلاش زبان‌شناسان را ظاهری می‌پنداشته‌اند. از این منظر زبان‌شناسان راهی به ژرفای معنا ندارند و از ماورای واژگان پرده بر نمی‌کشایند و در نهایت، ادبیات را به سوی ساخت‌ها و امور صوری و جمود سوق می‌دهد و بیان را در قرآن به فهم مجرد و ساده و خشک و محدود به مسائل احکام و شریعت محدود می‌کند و از ذوق ادبی و درک تصویرهای هنری و شگفتی‌های سبکی که جان را از شکوه سرشار می‌کند و از نردبان‌های اعجاز بالا می‌برد، خالی است (سلام، ۱۹۶۱: ۷۴).

۴-۱-۲. رویکرد نقد ادبی

در قرن اول و بخش زیادی از قرن دوم، پژوهش‌های نقادانه درباره زبانی قرآن انجام شده است و از نیمه پایانی قرن دوم، قرآن‌پژوهان و ناقدان عرب به قرآن به‌مثابه یک متن توجه کرده‌اند و آثاری در این زمینه پدید آورده‌اند که پایه‌های نقد ادبی با رویکرد قرآنی را بنیان نهاده است. قرآن‌پژوهان در حوزه متن قرآنی در رویکرد نقد ادبی از همان آغاز به دو جریان تقسیم شدند:

۱- معناگرایان؛ کسانی که درحوزه فکری اهل سنت بودند و باور داشتند که کلام عبارت است از معنای موجود در نفس و در نتیجه کلام خداوند، قدیم و معنایی در ذات خداوند است.

۲- ساخت‌گرایان؛ کسانی که میان معتزله و شیعیان که بر این باور بودند، کلام، همان واژگان و اصوات است و کلام خداوند هم مخلوق است (زیتون، ۱۹۹۲: ۳۲).

در رویکرد نقدی هم دو جریان شکل گرفت: ۱. زبان‌شناختی؛ ۲. زیبایی‌شناختی.

سرآغاز مباحث زبانی در هر دو جریان یادشده، مجاز بوده است. آثاری چون مجاز القرآن ابوعبیده و مجاز القرآن فراء در این دو جریان قرار می‌گیرند. در رویکرد نقد ادبی، متن‌پژوهانی چون رمانی، خطابی، باقلانی و عبدالجبار معتزلی به مفهوم‌سازی پرداختند و





اصطلاحاتی را شکل دادند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: لفظ، معنا، ترکیب، سطح آوایی، سطح معنایی، فاصله، رابطه لفظ و معنا، نظم و تألیف.

۲-۲. مطالعه زبان شناختی متن قرآن

قرآن به مثابه یک متن شگفت همواره برای پژوهشگران در تمدن اسلامی مسئله‌آفرین بوده است. عموم قرآن‌پژوهان از گذشته بر متن قرآن به عنوان یک متن ادبی تکیه می‌کردند؛ از جمله عبدالقاهر جرجانی که با رویکرد ادبی به متن قرآن، اعجاز آن را بررسی کرده است. در دوران جدید، امین الخولی دوباره رویکرد ادبی در متن قرآن را مطرح کرده است. به هر روی، بررسی ادبیت متن قرآن و مطالعات زبان‌شناختی در متن آن، نشان می‌دهد که قرآن، متن ویژه‌ای است با سازوکارهای ویژه برای فهم آن. به همین سبب، قرآن‌پژوهان با توجه به ادبی بودن متن قرآن به بررسی آن پرداخته‌اند. بنابراین «نقطه عزیمت آنها (قرآن‌پژوهان کلاسیک) کاملاً ادبی بود. با وجود بداهت و روشنی این امر، آیا به توضیحات و استدلال‌های بیشتری هم نیاز داریم که ویژگی ادبی قرآن را ثابت کنیم؟ حتی اگر از منظری صرفاً عینی و علمی بنگریم، آیا متون دینی و از جمله قرآن کریم، در درجه نخست، متونی زبانی و دارای ساخت‌های روایی، تمثیلی (یعنی داستانی و شعری) نیستند؟ و اگر چنین است، آیا جز همین روش برخاسته از سرشت متن، روش دیگری برای فهم آن در اختیار داریم؟» (ابوزید، ۱۳۸۰: ۲۴).

قرآن همچون دیگر کتب مقدس، به مطالعات متن‌شناسیک تن می‌دهد و بنا به قول ریچارد مولتون در کتاب مطالعه ادبی کتاب مقدس، کتاب مقدس برخلاف آثار ادبی یونانی، عبری و آلمانی، تافته جدابافته از تاروپود حماسه، غنا و نمایش است که به‌خودی‌خود شایسته بررسی است و این‌گونه مطالعه، طرحی نو در انداختن است» (میر، ۱۳۹۰: ۲۳). بنابراین قرآن کریم هم با ویژگی‌های متنی‌ای که دارد، به عنوان تنها متن موثق مقدس، به تحلیل‌های متن‌شناسیک تن می‌دهد. «متن قرآنی با قرار دادن خود در معرض تأویل‌ها و تفسیرهای مختلف، خویش را در تمام زمان‌ها و مکان‌ها، محور و اساس فرهنگ عربی-اسلامی می‌سازد. متون دارای دلالت معین و روشن، دارای کارکرد خبری صرف هستند که وظیفه اصلی‌شان رمزگشایی از پیام و رسانیدن گیرنده به مضمون و محتوای پیام به‌گونه کامل و نهایی است. این گونه متون تقریباً به طور کامل از داده‌های زبان عادی پیروی می‌کنند و به‌هیچ‌وجه زبان ویژه خود را ابداع نمی‌کنند. این امر برخلاف وضعیت متون برجسته و ممتاز است. در قرآن کریم، سطوح زبانی مختلفی می‌یابیم. برخی آیات کارکرد خبری و

اطلاعاتی صرف دارند، اما در دیگر آیات زبان ادبی می‌یابیم که دلالت‌های توبرتو و سازوکارهای ابداعی ویژه خود را دارند» (ابوزید، ۱۳۸۰: ۳۱۲).

درباره زبان متن قرآن و پاسخ به این پرسش که آیا گزاره‌های آن ناظر بر واقع است یا خیر، باید به دسته‌بندی متون در زبان‌شناسی و ویژگی‌های متون مراجعه کنیم. سخن بر این است که آیا متن قرآن همچون متون ادبی ابهام معنایی دارد؟ یا اینکه گزاره‌های آن، گزاره‌های خبری و در خدمت ابلاغ و با اطلاع‌رسانی هستند؟ شأن کتاب آسمانی آن است که چون برای هدایت‌گری نازل شده است، ابلاغ پیام باشد؛ ولی متن کتاب مقدس نمی‌تواند از ویژگی‌های ادبی متن بهره‌برد. متون را از این حیث می‌توان چنین تقسیم‌بندی کرد:

«یک دسته متونی که اساساً موقع خواندن آنها متوجه زبان‌شان نمی‌شویم و تا حد امکان، زبانی روشن و ساده و دور از هرگونه پیچیدگی دارند. این زبان، شفاف است و شاید بتوان گفت زبان، حذف می‌شود. توجه ما صرفاً به معنای نهایی پیام است و زبان چیزی بیش از ابزاری برای درک پیام نیست. متون علمی در این دسته جای می‌گیرند. در متون دسته دوم، پیام به شیوه بیان وابسته است. در اینجا پیچیدگی‌ها و حتی رازهای زبانی امتیاز به‌شمار می‌آید؛ زیرا پیام، چیزی جز این پیچیدگی نیست. در این متون، معنای نهایی یا وجود ندارد یا در پس تأویل‌های بی‌شمار پنهان می‌شود. در زمان خواندن این متون، زبان، حضوری زنده دارد و ما را وادار می‌کند به آن بیندیشیم. این زبان، گاه نامتعارف و دشوار است. در متون دسته نخست، آفرینندگی خواننده در کمترین حد ممکن است و برای فهمیدن پیام تنها باید دانش تخصصی یا هوش متعارف داشت. اما خواننده در متون دسته دوم، خود باید معنا را از راه تأمل و دقت به پیچیدگی‌های زبان بیافریند. در هر حال، یاکوبسون ابهام و ابهام معنایی را مهم‌ترین عنصر متن ادبی می‌داند» (احمدی، ۱۳۸۵: ۶۸-۶۹).

باید یادآور شد که از همان آغاز، سه گروه به مسئله متن قرآن به قصد اعجاز متنی پرداخته‌اند: گروه ادیبان، متکلمان و مفسران. علت اینکه وجه ادبی متن قرآن در میان قرآن‌پژوهان غلبه یافت، به طبیعت معجزه قرآن بازمی‌گردد. یعنی تفاوتی که میان معجزه قرآن با دیگر معجزات پیامبران وجود دارد، آن است که معجزات دیگر پیامبران، حسی بوده است، ولی معجزه پیامبر اسلام^۹، عقلی و ادبی است. قرآن‌پژوهان برای بررسی متن قرآن، تلاش‌های زیادی در زمینه معیارهای متن در حوزه‌های متعدد دانش انجام داده‌اند که در ادامه به اختصار بررسی می‌شود.





معیارهای متن در سنت ادبی مسلمانان بر این رویکردها مبتنی است:

۱. رویکرد نقدی

- انسجام‌بندی‌های متن شعری؛
- تناسب شیوه نظم با غرض شعر؛
- رعایت چینش و ترتیب؛
- انسجام فصل‌ها؛
- ادامه فصل پیشین در فصل بعدی؛
- ارتباط فصل‌ها در بیان و هدف؛
- ارتباط فصل‌ها از حیث عبارات، نه اهداف؛
- ارتباط فصل‌ها از حیث اهداف، نه عبارات؛
- روابط میان فصل‌ها؛
- انتقال از جزئی به کلی و برعکس؛
- دلالت عنوان فصل بر تعیین اجزای فصل؛
- پایان قصیده، استدلالی باشد بر آغاز آن.

۲. رویکرد بلاغی

- سطح واژگانی: مطابقت، تکرار، تناسب، ردالعجز الی الصدر؛
- سطح معنایی: پیوستگی عقلانی، جامع عقلی، جامع توهمی، تمثیل، تأکید، ایضاح؛
- سطح کاربردشناسی: پیوستگی روانی، پیوستگی خیالی، اختلاف افعال کلامی، دخالت موقعیت برای رفع اختلاف.

۳. رویکرد تفسیری

- سطح نحوی: عطف، ارجاع، اشاره؛
- سطح معنایی: موضوع گفتمان، سازمان‌دهی گفتمان، چینش گفتمان؛
- روابط: بیان و تفسیر اجمالی، تفصیل، عموم و خصوص.

۴. رویکرد زبان‌شناختی

- سطح واژگانی: تفسیر واژگان، تکرار، اعراب؛

- سطح نحوی: عطف، اشاره.

۵- رویکرد اعجاز متن

- سطح واژگانی: عموم و خصوص، تکرار، اجمال، ایجاز، اطناب؛

- سطح نحوی: خبر، انشا، تألیف، پیوستگی، ایهام؛

- سطح معنایی: عدول، رجا، بیم دادن، حصر، اختصاص، آغاز سوره‌ها، مناسبت، ناسخ و منسوخ (خطابی، ۱۹۹۱: ۲۰۵).

در میان مؤلفه‌های چندگانه متن، انسجام متن در قرآن بیش از دیگر مؤلفه‌ها اهمیت دارد، چون اساساً متن را بنابر انسجام آن، متن اطلاق می‌کنند. از سوی دیگر، با توجه به متن قرآن، بیشترین چالش نزد مسلمانان و غیرمسلمانان در حوزه بررسی متن قرآن، انسجام متن آن بوده است.

در ادامه و در تبیین مطالب پیشین، مطالعات ادبی یا زبانی و به تعبیر این پژوهش، متن‌شناسیک قرآن را از منظری تاریخی بررسی می‌کنیم تا ردپای مطالعات این حوزه در مطالعات سنتی متن قرآن و مطالعات جدید و یافت شود.

۲-۳. رویکرد سنتی

بررسی کتاب سیر تاریخی اعجاز قرآن کریم نشان می‌دهد جز نظریه صرفه که نخستین بار توسط «نظام» مطرح شد و نگاهی برون‌متنی به اعجاز قرآن داشت، بقیه دیدگاه‌های مطرح شده درباره اعجاز متنی از جمله نظریه نظم که توسط جاحظ مطرح شد و جرجانی و واسطی و خطابی و باقلانی و دیگران آن را ادامه دادند، همه در حوزه درون‌متنی اعجاز جای می‌گیرند. توجه به متن قرآن از قرن دوم به مثابه یک متن ادبی آغاز شد و این رویکردها از همان آغاز دو جنبه داشت:

۱. توجه به زبان قرآن در آثار کسانی چون فراء و ابوعبید و ابن‌قتیه

۲. توجه به ادبیات و بیان آن در آثار نظام، جاحظ و جرجانی (سیدی، ۱۳۹۲: ۶۲).

این بررسی‌های متن‌محور هم از جانب بلاغت‌دانان و هم متکلمان انجام شده است. نخستین متکلم اشعری که به اعجاز متن‌محور قرآن پرداخت، ابوبکر باقلانی است. وی در





کتاب اعجاز القرآن، اعجاز را در سه حوزه خبرهای غیبی، آموزه‌های بلند و پر مغز و نظم و ساختار شگفت انگیز قرآن مطرح می‌کند. پس از وی عبدالجبار معتزلی به مسئله نظم و زیبایی متنی قرآن پرداخته است. خلاصه دیدگاه وی آن است که بلاغت کلام تنها از حیث نظم نیست، چنان‌که از حیث مفاهیم نیست، بلکه در لفظ شایسته و معنای بایسته آن است. البته بیش از هر کس، جرجانی به مسئله نظم و پیوستگی و انسجام متن قرآن توجه داشته است. اساس اندیشه وی در نظریه نظم، بر رابطه تنگاتنگ لفظ و معنا استوار است که آن را به انسجام متنی پیوند می‌زند. اما رویکردهای اعجاز در قرن‌های مختلف را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

➤ قرن اول و دوم و چهارم: رویکرد لغوی و زبان‌شناختی

➤ قرن هفتم و هشتم و دهم: رویکرد بلاغی و زیبایی‌شناختی

به‌طور کلی گذشتگان کوشیده‌اند در حد توان دانش خود و سطح آگاهی‌های روزگارشان به متن قرآن توجه کنند و معمولاً بر جنبه‌های متن‌شناسیک تکیه می‌کردند.

۲-۴. رویکرد جدید

در دوران جدید، دو رویکرد در قرآن‌پژوهی به‌وجود آمده است:

۱. رویکرد نخست که تحت‌تأثیر مسائل علمی در جهان غرب قرار دارد به رویکرد علمی در اعجاز معروف است. در این رویکرد به متن و ویژگی‌های آن توجهی نمی‌شود، بلکه هدف، اثبات و استخراج مطالب علمی از آیات است. این رویکرد در تفسیر الجواهر طنطاوی به اوج خود می‌رسد و در آثار کسانی چون علی فکری با کتاب القرآن ینبوع العلوم و العرفان (۱۹۵۱) و رشاد خلیفه در اعجاز عددی و محمد متولّی الشعراوی (۱۹۷۸) و دیگران ظهور و بروز می‌یابد.

۲. رویکرد دوم، متن‌محور است که در آن بسیاری از قرآن‌پژوهان به متن قرآن و ادبیت آن توجه کرده‌اند. کسانی چون مصطفی صادق الرافعی با کتاب اعجاز القرآن، سید قطب در التصوير الفنی و درّاز در النبأ العظیم و رمضان البوطی در من روائع القرآن به ویژگی‌های متنی قرآن پرداخته‌اند.

درّاز در النبأ العظیم به زبان و سبک قرآن می‌پردازد و به نقش آوا در ساخت واژگان و آهنگ عجیب و زیبایی‌آهنگین و ریتمیک توجه می‌کند. وی ویژگی‌های بیانی قرآن را در چهار مرتبه برمی‌شمارد:

۱. قرآن دربارهٔ پارهٔ اجزایش؛

۲. قرآن در یک سورةٔ آن؛

۳. قرآن در برخی سوره‌ها؛

۴. قرآن به‌طورکلی.

دراز اعجاز را به سبک قرآن ارجاع می‌دهد و آن را در امور زیر معتبر می‌داند:

۱. اعتدال در لفظ؛

۲. وفای به معنا؛

۳. تفاوت خطاب عام و خاص؛

۴. توجه به عقل و عاطفه؛

۵. بیان تفصیلی؛

۶. بیان اجمالی (دراز، ۱۹۶۰: ۴۵/۱).

محمد رمضان البوطی در من روائع القرآن، به سبک ویژه و انحصاری قرآن اشاره می‌کند و معتقد است سبک قرآن ویژگی‌های زیر را دارد:

۱. نظم شگفت و زیبایی که نه از نوع شعر است و نه نثر؛

۲. سطح والا و یگانه در تمام مطالب و موضوعات؛

۳. تکرار معانی در قالب‌های مختلف؛

۴. خطاب به همهٔ مردم با واژگان خاص خود (البوطی، ۱۹۷۷: ۸۵).

وی از تصویر در قرآن با ابزارهای متعدد و جلوه‌های گوناگون آن سخن می‌گوید و بر آن است تمام این‌ها گاه در یک متن و گاه در متون متعدد آمده است. این جمله‌ها به‌قرار زیر است:

۱. خارج کردن مدلول لفظ از حوزهٔ معنای مجرد به حوزهٔ تصویر محسوس؛

۲. تغییر و تحول تصویرها از شکل صامت به صحنه‌ای متحرک و پویا؛

۳. برجسته‌سازی صحنه با توجه به اقتضای آن (همان: ۲۰۱).





در میان قرآن‌پژوهان معاصر ایران می‌توان به تلاش کسانی چون محمدتقی شریعتی، مهدی بازرگان، محمود طالقانی و محمدهادی معرفت اشاره کرد. شریعتی از زبان قرآن و ویژگی انحصاری آن سخن می‌گوید و به نظم و چینش دقیق واژگان می‌پردازد و می‌توان او را در زمره قرآن‌پژوهان متن‌محور برشمرد. وی از پیوستگی و انسجام متن قرآن هم سخن گفته و معتقد است که در یک سوره، آیات با هم در پیوستگی و ارتباط هستند. (شریعتی، بی‌تا: ۵۰)

بازرگان در کتاب سیر تحول قرآن بیشتر به ساخت، بافت زبان قرآن و پیوستگی شگفت آن می‌اندیشید و اعجاز متنی را در تنوع طولی و بلندی آیات و آهنگ و ترکیب کلمات می‌داند. هدف نهایی او این بود که نشان دهد این چینش و نظمی که در متن وجود دارد، گواه آن است که منشأ فوق بشری دارد. (بازرگان، بی‌تا: ۱۳۵)

طالقانی در حوزه موسیقی متن قرآن و ژرف‌کاوی‌های فقه‌اللغة به متن قرآن نگریسته است. او می‌گوید: «ترکیب و هماهنگی کلمات با یکدیگر و با معانی، بیانگر صورت واقعی مقصود است که قرآن را مانند وجود و ترکیب موجودات و نمودار شدن در صور گوناگون در آفرینش، معجزه ساخته است؛ مانند ترکیب عناصر طبیعی. اگر کلمه‌ای را به کلمه مترادف آن تبدیل کنیم یا حرفی را از جای خود برداریم، یا فصل و وصل، وقف و حرکت، اوج و فرود و ریتم کلمات رعایت نشود، در نظم و هماهنگی و رسانیدن معنا و مقصود اخلاص پیش می‌آید» (طالقانی، ۱۳۶۵: ۳/۴).

محمدهادی معرفت بیشتر بر زبان قرآن و هرمنوتیک متن تمرکز دارد و به سه عنصر «مؤلف، نص، مفسر» و همچنین «قصد و نص و تفسیر» اشاره می‌کند و قواعد هرمنوتیک متن دین را این‌گونه بیان می‌کند: «قاعده زبان وحی، قاعده مراتب معنا، قاعده جری و تطبیق، قاعده معناداری متون، قاعده تناسب آیات قرآن، قاعده محکم و و متشابه، قاعده ضابطه تأویل» (معرفت، ۱۴۱۶: ۵ / ۱۰-۱۲).

۲-۵. دیدگاه خاورشناسان

خاورشناسان به قرآن به مثابه یک متن با دو رویکرد توجه کرده‌اند. در یک رویکرد آن را متنی فاقد انسجام و با ویژگی گسست ساختی و معنایی مطرح کرده‌اند که گسست معنایی دارد؛ به نحوی که کارلایل^۱ آن را «خواندنی پر زحمت» توصیف می‌کند و رژی بلاشر^۲ از روش

1. Carlayl

2. Blasher Rezhy



درهم و ناپیوسته قرآن و تکرارهای ملال‌آور آن سخن می‌گوید. اما در رویکرد دوم، زبان-شناسان غربی متن قرآن را کلیتی یکپارچه می‌دانند که در آن، سوره‌ها با یکدیگر از انسجام ارتباطی تنگاتنگ برخوردارند؛ از جمله رابینسون^۱ به روابط میان مضامین سوره‌ای خاص پرداخته است. (عبدالرؤف، ۱۳۹۰: ۲۵۸)

خاورشناسان به اعجاز متنی و سبک قرآن هم توجه داشته‌اند. آربری^۲ در مقدمه ترجمه‌اش بر اعجاز ادبی وقتی قرآن تأکید دارد و از همین رهگذر آن را ترجمه‌ناپذیر توصیف می‌کند. او می‌گوید: «من ترجمه خود را تفسیر نامیدم تا این عقیده قدیمی را تصدیق کنم که قرآن (همچون هر شاهکار ادبی دیگر) ترجمه‌پذیر نیست» (آربری، ۱۹۵۵: ۴۱).

کربن هم درباره لایه‌مندی متن قرآن می‌گوید: «قرآن معانی باطنی دارد. تأویل، فهم آن بطون است، پس تأویل، یعنی سطح معنایی که با انسان‌شناسی فلسفی، یعنی درجات آمادگی افراد پیوند نزدیک دارد. قرآن، کتاب زنده است؛ زیرا همواره در روان‌ها جاری است و این جریان تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. معانی درونی قرآن به هیچ وجه به رویدادهای تاریخی یا به نظام اجتماعی دوران تولد قرآن ارتباط ندارد» (شایگان، ۱۳۷۱: ۱۰۶).

کارلتون. اس. گون^۳ استاد دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا درباره بلاغت قرآن می‌گوید: «یکی از مزایای عظیم قرآن، بلاغت آن است. قرآن هنگامی که درست تلاوت می‌شود، چه شنونده به لغت عربی آشنا باشد و یا نباشد، آن را بفهمد یا نفهمد، تأثیر شدید در او می‌گذارد و در ذهنش جای می‌گیرد. این مزیت بلاغی قابل ترجمه نیست» (علیقلی، ۱۳۷۵: ۳۶).

نتیجه‌گیری

۱. قرآن به مثابه متن، سازوکار ویژه‌ای می‌طلبد تا به راز متن از حیث متن‌بودگی برسد، این کار با توجه به کیفیت ویژه نزول آن، تنها به واسطه زبان‌شناسی متن ممکن است.
۲. با توجه به گزارش ارائه شده در رویکردهای بررسی اعجاز متن قرآن مشخص شد مهم-ترین دغدغه قرآن‌پژوهان چه در حوزه فرهنگ اسلامی و چه در فرهنگ غربی، مسئله انسجام متن قرآن است.

1. Rabinson

2. Arbery

3. K.S.Geon



۳. بدون توجه به ویژگی‌های متنی قرآن کریم با معیارهای متن بودگی در زبان‌شناسی جدید، دو چالش عمده همچنان بر سر راه باورمندان به این کتاب مقدس وجود خواهد داشت؛ یکی در حوزه تفسیر متن و دیگری در حوزه ترجمه.

۴. برای ارائه یک ترجمه روان و کارآمد و تفسیر مطلوب، بهترین راه توجه به معیارهای متن-بودگی قرآن، نشان دادن انسجام متن است.

در نهایت می‌توان دریافت قرآن به مثابه یک متن، بنا به اعتراف خاورشناسان و متن‌گرایان و با توجه به ویژگی‌های متن بودگی، متنی استوار و با ویژگی‌های اصالت متن است. با توجه به آنچه در تاریخ تحلیل متن قرآن در تمدن اسلامی صورت گرفته است، می‌توان گفت مهم‌ترین مؤلفه اعجاز قرآن، وجه متن‌بودگی و ادبیت متن است و تمام مؤلفه‌های یک متن از نظر متن‌پژوهان معاصر در آن یافت می‌شود. از این رو متن قرآن از حیث اصالت متن، متنی شگفت است که در فرهنگ قرآنی از آن به عدم پراکندگی و آشفتگی یاد می‌شود و قرآن‌پژوهان آن را اعجاز متنی می‌دانند.

فهرست منابع

۱. ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۰)، معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، تهران: طرح نو.
۲. احمدی، بابک (۱۳۸۰)، حقیقت و زیبایی، تهران: نشر مرکز.
۳. البرزی، پرویز (۱۳۸۶)، مبانی زبان‌شناسی متن، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. بارت، رولان (۱۳۸۴)، لذت متن، ترجمه پیام یزدانجو، نشر مرکز.
۵. بازرگان، مهدی (۱۳۷۷)، سیر تحول قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. باقلانی، ابوبکر محمدبن الطیب (۱۹۵۴): اعجاز القرآن، به کوشش السید احمد صقر، قاهره: دارالمعارف.
۷. البوطی، محمد سعید رمضان (۱۹۷۷)، من روائع القرآن، الطبعة الخامسة، دمشق: مكتبة الفارابی.



۸. پالمر، فرانک (۱۳۶۶)، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کورش صفوی، تهران: نشر مرکز.
۹. الخولی، امین (۱۹۶۱)، مناهج تجديد في النحو والبلاغة والتفسير والأدب، قاهره: دار المعرفة.
۱۰. دراز، محمد (۱۹۶۰)، النبأ العظيم، مصر: مطبعة السعادة.
۱۱. دی‌بوگراند، روبرت (۱۹۹۸)، النص والخطاب والإجراء. ترجمه تمام حسان، قاهره: عالم الكتب.
۱۲. ریکور، پل. (۱۳۷۳)، زندگی در دنیای متن، ترجمه بابک احمدی، تهران: نشر مرکز.
۱۳. زیتون، علی محمدی (۱۹۹۲)، إعجاز القرآن وأثره في تطوّر النقد الأدبي، بيروت: دارالمشرق.
۱۴. سلام، محمد زغلول (۱۹۶۱)، أثر القرآن في تطوّر النقد العربي إلى آخر القرن الرابع الهجري، الطبعة الثانية، مصر: دارالمعارف.
۱۵. سیدی، سید حسین (۱۳۹۰)، زیبایی‌شناسی آیات قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۶. سیدی، سید حسین (۱۳۹۲)، سیر تاریخی اعجاز قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. شریعتی، محمدتقی (۱۳۹۱)، تفسیر نوین، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۱۸. شایگان، داریوش (۱۳۷۱)، آفاق تفکر معنوی در اسلام، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آگاه.
۱۹. عبدالمجید، جمیل (۱۹۹۸)، البديع، بين البلاغة العربية و اللسانيات النصيّة، قاهره: الهيئة المصرية للكتاب.
۲۰. طالقانی، سید محمود (۱۳۵۶)، پرتویی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۱. علیقلی، محمد مهدی (۱۳۷۵)، قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان، قم: انتشارات سینا.
۲۲. فضل، صلاح. (۱۹۹۲)، بلاغة الخطاب وعلم النص، کویت: عالم المعرفة.

٢٣. الفقى، صبحى ابراهيم (٢٠٠٠)، علم اللغة النصى بين النظرية والتطبيق، قاهره: دار
قبا.

٢٤. معرفت، محمد هادى (١٤١٦هـ)، التمهيد فى علوم القرآن، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.

٢٥. مير، مستنصر و عبدالرؤف، حسين (١٣٩٠)، مطالعة قرآن به مثابه اثر ادبى، ترجمه
ابوالفضل صرى، تهران: انتشارات نيلوفر.

٢٦. هاليدى، مايكل و حسن، رقيه. (١٣٩٣)، زبان، بافت و متن، ترجمه مجتبى منشى زاده
و طاهره ايشانى، تهران: انتشارات علمى، چاپ اول.

٢٧. هولب، روبرت (١٩٩٤)، نظرية التلقى، ترجمه عزالدين اسماعيل، جده: النادى الادبى
الثقافى.

